



«هُوَ مَعَكُمْ»

هنر دیدار حق



www.korab.ir

دکتر منصوره شایسته

سرشناسه: شایسته، منصوره، ۱۳۳۴
 عنوان و نام پدیدآور: هو معکم (هنر دیدار حق) / منصوره شایسته؛ ویراستار: طاهره آشتیانی
 مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۴۰۱
 مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۳-۵۴۶-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۳۲۶-۳۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس
 عنوان دیگر: هنر دیدار حق
 موضوع: رویت الهی (Beatific vision)
 موضوع: رویت الهی -- جنبه‌های قرآنی (Beatific vision -- Quranic teaching)
 موضوع: خداجویی (Desire for God)
 رده‌بندی کنگره: BP۲۱۹
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۶۰۲۱۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

«هُوَ مَعَكُمْ»

هنر دیدار حق

دکتر منصوره شایسته

مدیر فنی: سحر عظیمی
 ناظر چاپ: سید علیرضا صالحی
 شمارگان: ۵۰۰
 نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۱

ویراستار: طاهره آشتیانی
 صفحه‌آرا: شیوا بهرامی
 خطاط: استاد علی حسن‌پور
 طراح جلد: شیوا بهرامی



آرمان‌رشد

تهران، خ انقلاب، بین خ دانشگاه و خ ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۱۰

info@armanroshd.com

www.armanroshd.com

۶۶۴۸۶۰۱۳

۰۹۲۱۴۳۸۱۷۷۴

قیمت: ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال

فهرست

مقدمه.....	۱۳
ساختمان کتاب.....	۱۹
فصل اول: کلیات.....	۲۱
۱-۱- تعریف حضور دائم و ملاقات حق.....	۲۲
۲-۱- ضرورت و اهمیت حضور دائم و ملاقات حق.....	۲۳
۱-۲-۱- ملاقات حق، ظرفیت خاص انسان.....	۲۳
۲-۲-۱- بهره‌مندی از ملاقات حق در قیامت به میزان بهره در دنیا.....	۲۸
۱-۲-۲-۱- دلایل ملاقات خدا در قیامت.....	۲۹
۲-۲-۲-۱- محجوبین از دیدار خدا در قیامت.....	۳۱
۳-۲-۲-۱- نتایج شک یا تکذیب ملاقات حق در قیامت.....	۳۴
۳-۲-۱- مراتب ملاقات حق در قیامت.....	۳۶
۴-۲-۱- آشکار شدن مصداق معشوق حقیقی در قیامت (بزرگ‌ترین آتش قیامت).....	۴۰
۳-۱- طلب، مهمترین عامل درک حضور.....	۴۲
۱-۳-۱- راه‌های ایجاد طلب.....	۴۳
۴-۱- درک ضرورت لقاء از آغاز نوجوانی.....	۵۲
۵-۱- اقسام شهود و ملاقات حق.....	۵۶
فصل دوم: ملاقات نجوایی یا تعمیق شهود ابتدایی.....	۶۱
۱-۲- هدف غایی یا تمامیت ملاقات نجوایی.....	۶۲
۲-۲- راه‌های اشتداد ملاقات نجوایی یا شهود ابتدایی.....	۶۲

۶۳..... ۱-۲-۲..... نجوای فعال

۶۳..... ۲-۲-۲..... مشورت با خدا قبل از شروع هر کار

۶۴..... ۳-۲-۲..... توجه به تلاقی نگاه ما با نگاه حق

۶۵..... ۴-۲-۲..... عبودیت

۶۷..... ۵-۲-۲..... ذکر

۷۴..... ۶-۲-۲..... بهره‌گیری از قوه خیال و کارکردهای آن

۷۴..... ۱-۶-۲-۲..... تصویرسازی

۷۵..... ۲-۶-۲-۲..... تحریک عواطف

۷۵..... ۳-۶-۲-۲..... رویاپردازی

۷۶..... ۴-۶-۲-۲..... بازی کردن نقش

۸۹..... فصل سوم: ملاقات عقلی

۹۰..... ۱-۳..... ملاقات عقلی یا تفکر آیه‌ای

۹۴..... ۲-۳..... راه‌های تقویت تفکر آیه‌ای

۹۴..... ۱-۲-۳..... توجه به استدلال‌های ربوبی

۹۵..... ۲-۲-۳..... شکستن عادت

۹۶..... ۳-۲-۳..... کنترل یا فعال نمودن حواس جهت توجه به باطن عالم

۱۰۰..... ۴-۲-۳..... تفکر و تعقل جهت پذیرش حق

۱۰۲..... ۳-۳..... تأثیرات تفکر آیه‌ای

۱۰۳..... ۱-۳-۳..... افزایش یقین

۱۰۳..... ۲-۳-۳..... تبدیل باور ذهنی به قلبی و غلبه نگاه آیه‌ای بر استقلالی

۱۰۴..... ۳-۳-۳..... شناخت خبث از طیب

- ۱۰۵..... ۳-۳-۴- بروز کامل عقل و اراده به عنوان شاخصه های انسان
- ۱۰۷..... ۳-۳-۵- توسعه عواطف معقول
- ۱۱۲..... ۳-۴-۴- مراتب نگاه آیه ای
- ۱۱۲..... ۳-۴-۱- دیدن خدا بعد از هر شیء
- ۱۱۵..... ۳-۴-۲- دیدن خداوند با اشیاء
- ۱۱۶..... ۳-۴-۳- دیدن خدا قبل از اشیاء
- ۱۱۷..... ۳-۵- هدف غایی ملاقات عقلی یا تفکر آیه ای
- ۱۱۹..... ۳-۶-۱- انواع ساحت های آیه ای (هستی، قرآن، نفس انسانی، معجزات)
- ۱۲۰..... ۳-۶-۱- ساحت افقی عالم به عنوان آیه
- ۱۲۱..... ۳-۶-۱-۱- عالم کهکشان ها
- ۱۲۲..... ۳-۶-۱-۲- عالم اتم
- ۱۲۴..... ۳-۶-۱-۳- عالم گیاهان
- ۱۲۶..... ۳-۶-۱-۴- شگفتی های سلسله گیاهان
- ۱۲۹..... ۳-۶-۱-۴- عالم سلول
- ۱۳۳..... ۳-۶-۲- ساحت قرآن به عنوان آیه
- ۱۳۳..... ۳-۶-۱-۲- وجوه آیه ای قرآن به جهت حقیقت
- ۱۳۴..... ۳-۶-۱-۱- عظمت قرآن
- ۱۳۶..... ۳-۶-۱-۲- قرآن کلام الله
- ۱۳۹..... ۳-۶-۱-۳- قرآن کلام اتم خدا
- ۱۴۱..... ۳-۶-۱-۴- قرآن مظهر تام علم خدا و حاوی همه حقایق هستی
- ۱۴۲..... ۳-۶-۱-۵- ذومراتب بودن قرآن

- ۱۴۴.....۳-۶-۲-۱-۶- تطبیق مراتب قرآن، هستی و انسان کامل
- ۱۵۱.....۳-۶-۲-۱-۷- صفات قرآن به زبان قرآن
- ۱۵۴.....۳-۶-۲-۲-۲- وجوه آیه‌ای قرآن از جهت الفاظ
- ۱۵۴.....۳-۶-۲-۲-۱- حقیقت نامحدود در الفاظ محدود
- ۱۵۷.....۳-۶-۲-۲-۲- عدم خستگی در تکرار
- ۱۵۸.....۳-۶-۲-۲-۳- بلاغت و آهنگ
- ۱۶۰.....۳-۶-۲-۲-۴- بهره‌گیری با هر سطح دانش
- ۱۶۰.....۳-۶-۲-۲-۵- نظم و کاربرد حروف و کلمات
- ۱۶۱.....۳-۶-۲-۳- شیوه برخورد با قرآن برای بیشترین بهره‌گیری
- ۱۶۱.....۳-۶-۲-۱- درک عظمت قرآن و شکستن عادت
- ۱۶۲.....۳-۶-۲-۲- از تلاوت تا ادب
- ۱۶۵.....۳-۶-۲-۳- درگیر نمودن همه ساخت‌های وجود
- ۱۷۱.....۳-۶-۲-۴- برخورد با قرآن به عنوان حقیقت‌دی روح
- ۱۷۲.....۳-۶-۲-۵- تمرین مستمر، تلاوت سحرگاهی
- ۱۷۵.....۳-۶-۳- سومین ساخت آیه‌ای ساخت نفس انسان
- ۱۷۸.....۳-۶-۱- فواید آیه‌بینی در ساخت نفس
- ۱۸۰.....۳-۶-۲- اهمیت ساخت انفسی نسبت به ساخت آفاقی
- ۱۸۵.....۳-۶-۳- توجه به ساخت‌های مختلف نفس
- ۱۸۵.....۳-۶-۳-۱- من و بدن
- ۱۸۶.....۳-۶-۳-۲- من و صفات
- ۱۸۷.....۳-۶-۳-۳- من و مهارت‌ها

۱۸۷.....	۳-۶-۳-۳-۴- من و نیازها
۱۸۸.....	۳-۶-۳-۳-۵- من و حواس
۱۹۱.....	۳-۶-۳-۳-۶- من و دانستنی‌ها
۱۹۱.....	۳-۶-۳-۳-۷- من و باورها
۱۹۲.....	۳-۶-۳-۳-۸- من و نقش‌ها
۱۹۳.....	۳-۶-۳-۳-۹- من و ناخودآگاه
۱۹۴.....	۳-۶-۳-۳-۱۰- من و خواب
۱۹۵.....	۳-۶-۳-۳-۱۱- من و مطلوب‌ها
۱۹۶.....	۳-۶-۳-۴- بی‌حد بودن ساخت‌های نفس
۱۹۷.....	۳-۶-۳-۵- نگاه دو وجهی به خویش
۲۰۳.....	فصل چهارم: رؤیت شهودی
۲۰۴.....	۴-۱- ملاقات شهودی
۲۰۵.....	۴-۲- قلب مرکز معرفت شهودی
۲۰۶.....	۴-۳- معرفت حضوری و ذهنی (حصولی)
۲۰۸.....	۴-۳-۱- تفاوت‌های عمده علم حضوری و عادی ذهنی (حصولی)
۲۰۹.....	۴-۳-۲- مصادیق علم حضوری
۲۱۰.....	۴-۳-۱- علم انسان به وجود خودش
۲۱۰.....	۴-۳-۲- علم به زندگی ابدی
۲۱۱.....	۴-۳-۳- علم انسان نسبت به خداوند
۲۱۴.....	۴-۳-۳- دلایل علم حضوری ما نسبت به خداوند
۲۱۴.....	۴-۳-۱- عشق به زیبایی و کمال مطلق

مقدمه

انسان دارای استعدادی است که در هر آن می‌تواند به مشاهده خداوند بپردازد. اگرچه ارزش این استعداد و مشاهده، مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته، ولی هر زمانی که شگفتی‌های آفرینش او را متوجه عظمت خلقت کند، در واقع خالق را می‌نگرد؛ هر زمانی که با توجه با او سخن گوید، غرق در تماشای اوست و هر لحظه‌ای که خود را به‌عنوان موجودی سرپا نیاز مشاهده کند، در حال شهود حق تعالی است.

همان‌طور که بدن با ارتزاق از طعام، هوا، نور و دیگر عناصر و عوامل طبیعی این عالم به زندگی‌اش ادامه می‌دهد، جان انسان هم با توجه به حق، در معرض روح الهی قرار گرفته و حیاتش گسترده می‌گردد. آنچه در این مسیر حائز اهمیت است استمرار لحظه‌های توجه است. شکوفایی این حیات معنوی نیازمند اتصال لحظه‌به‌لحظه با خداست و نفس انسان با رشد و کمال این حیات، پیوند معرفتی و عاطفی‌ای با خداوند برقرار می‌کند که جز او را نمی‌بیند، جز بر آستان او سر

نمی‌نهد و دلش جز به عشق او نمی‌طپد. بزرگ‌ترین هراس این انسان، بی‌ادبی در محضر حق تعالی است و همه حرکات و سکونش لله می‌گردد. در این مرتبه است که با نائل شدن به مقام اطمینان و رضایت، صاحب نفس مطمئنه گشته و منادی ندای «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»^۱ می‌گردد.

اگرچه اداره بدن در عالم طبیعت اشتغال به محسوسات و عالم مادی می‌طلبد، ولی این اشتغال مانعی بزرگ برای شکوفایی این سرمایه عظیم فطری است. چون زمان عمر بزرگ‌ترین فرصت برای رسیدن به این رؤیت و کمال است. اگر انسان با کمک گرفتن از همتی عالی و تمرین‌های مستمر «توجه» خود را مدیریت نکند، عمرش به روزمرگی گذشته و حال غفلت بر او چیره می‌گردد. در هر لحظه انسان از دو حال خارج نیست یا در حال توجه به حق است یا غافل از اوست. لحظه‌ای که انسان به خداوند توجه می‌کند، هستی خدا را درک کرده، قلب از این درک متأثر گشته و عواطف ملکوتی تحریک می‌شود. آن لحظه نفس در حال بزرگ شدن است، چون توجه به حق مراتبی دارد. به هر میزان که زمان و لحظات توجه بیشتر شود، شهود انسان نسبت به حق به مرتبه بالاتری صعود می‌کند. چنانچه انسان بتواند «آن» ها و لحظاتی را که به یاد خداوند است نسبت به حیات محسوس و اشتغال به عالم طبیعت فزونی بخشد و با استمرار این توجه معرفتش نسبت به خداوند را عمیق نماید، تولدی دوباره می‌یابد. آن چنان که

حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «لَنْ يَلْجَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ مَنْ لَمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ»،^۱ هیچ‌گاه در ملکوت آسمان‌ها وارد نمی‌شود آن که دوباره متولد نگردیده است.

انسان به تدریج در این امر آنقدر قدرت پیدا می‌کند که توجه او به امور دیگر کم شده و آرام‌آرام از همه چیز منقطع می‌شود. این انقطاع به معنی گوشه‌گیری و جدایی از زندگی طبیعی نیست، بلکه متوجه بودن به حق در اوج اشتغال است. این یک نوع بلوغ است. انسان پس از طی بلوغ عاطفی و عقلی به بلوغ لُبّی می‌رسد که قرآن از صاحبان آن به «أُولَئِكَ الْبَابُ» تعبیر می‌کند: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»^۲، کسانی که نشسته، ایستاده و خوابیده به یاد حقند و هیچ تجارتی آن‌ها را از یاد خدا باز نمی‌دارد: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۳.

هم‌چنین در حدیث قدسی خداوند می‌فرماید: «إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْإِسْتِغَالَ بِي، جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشِقْنِي وَ عَشِقْتُهُ، فَإِذَا عَشِقْنِي وَ عَشِقْتُهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ»^۴، «اگر بنده بیشترین زمان روزش را به یاد من باشد، عاشق من می‌شود

۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی (صدر)، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. آل عمران / ۱۹۱.

۳. نور / ۳۷.

۴. الاصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۶، ص ۱۶۵.

و آن‌گاه حجاب بین خودم و او را از بین می‌برم». عظمت این وعده با توجه به تعبیر حجاب که اعم از حجاب‌های ظلمانی و نورانی است، مشخص می‌گردد. باید در نظر داشت که مراقبت تام از این توجه به‌گونه‌ای که بر زمان غفلت غلبه کند، بسیار سخت است و استقامت و صبر بسیار می‌طلبد، مخصوصاً در ابتدای راه که انسان فقط به لذت‌های جسمانی عادت کرده و ذائقه خود را بر غیر آن خونداده است، پشتکار بیشتری نیاز دارد تا راه هموار گردد. این مهارت یعنی دائماً در محضر حق تعالی بودن، مانند هر مهارت دیگری نیازمند تمرین، استقامت و پذیرش تدریجی است. البته از آن‌جا که امری فطری و اساس گمشده انسان است، با فعلیت آن کم‌کم راه شیرین می‌شود. خداوند در آیه ذر می‌فرماید: «پروردگار، خودتان را بر خودتان شاهد گرفت، سپس سؤال نمود: من ربّ شما نیستم؟ همه گفتند: بله ... خداوند این پیمان را اخذ کرد تا این‌که مبادا شما در روز قیامت بگویید ما از این غافل بودیم ...»^۱ هر انسان با شاهد بودن بر نفس خود و درک نیازمندی‌های خویش به آسانی می‌تواند خدای خویش را شهود کند. ارزش «آن»‌ها و لحظات زندگی، فعلیت‌بخشی به این شهود است. این فعلیت است که راه را ساده و انسان را مشتاق می‌کند. میزان این تأثیر به حدی است که به ازاء هر آن غفلت خسران آشکاری نصیب او می‌گردد.